



عاج های سنلو

تألیف

اسکار وایت ماسکارلا

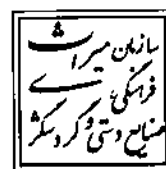
ویرایش

رابرت هنری دایسون

ترجمه

علی صدرائی و صمد علیون

سرشناسه	ماسکارلا، اسکار وایت Muscarella, Oscar White
عنوان و نام پدیدآور	عاج‌های حسلو / تالیف اسکار وایت ماسکارلا؛ ترجمه علی صدرائی و صمد علیون.
مشخصات نشر	تهران: گنجینه هنر؛ ارومیه: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	۲۲۲ ص. - مصور
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۷۵۶-۲۱-۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: The Catalogue of Ivories from Hasanlu
یادداشت	کتابنامه.
یادداشت	نمایه.
موضوع	حسلو -- حفاری‌ها (باستان‌شناسی)
موضوع	آذربایجان -- آثار تاریخی.
شناسه افزوده	صدرائی، علی، ۱۳۴۵ - مترجم
شناسه افزوده	علیون، صمد، ۱۳۵۹ - مترجم
شناسه افزوده	سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی
رده بندی کنگره	DSR ۵۵ / ج ۵ / ۱۳۸۷ م ۲
رده بندی دیویی	۹۵۵ / ۳۰۴۳
شماره کتابشناسی ملی	۱۶۱۶۴۴۹



آذربایجان غربی



انتشارات
گنجینه هنر

عاج‌های حسلو

مؤلف: اسکار وایت ماسکارلا

مترجمان: علی صدرائی / صمد علیون

ویراستار: محمد مرتضایی

ناشر: گنجینه هنر / سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان غربی

چاپ: اول / ۱۳۸۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و صفحه آرایی: انتشارات نوربخش (چگینی)

لیتوگرافی / چاپ: نقش آور / توسکا گستر

شابک: ۹۷۸-۰۶۴-۸۷۵۶-۲۱-۰

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

نشانی: تهران، خیابان ستارخان، خیابان تهران ویلا، خیابان شهید زارع، پلاک ۵۶، طبقه ششم، تلفن: ۰۲۱-۶۶۵۱۱۸۲۳

ارومیه: خیابان شهید بهشتی، جنب موزه، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان غربی.

تلفن: ۰۴۴۱-۳۴۴۷۱۷۸



بزک‌دان شماره‌ی ۷۳. این بزک‌دان در سال ۱۹۶۲ میلادی به همراه گروهی از اشیای برنزی، چوبی و استخوانی از قلات بزرگ ساختمان سوخته‌ی دوم کشف شده است.

سخنِ ناشر

خطه‌ی آذربایجان همواره مهد تمدن و فرهنگ ایران زمین بوده است. در این سرزمین تمدن‌های درخشانی در طول هزاره‌ها شکل گرفته، به تعالی رسیده و سپس به افول گراییده‌اند. گواه این امر بقایای این تمدن‌هاست که به صورت اتلالی عظیم و خفته در دل خاک مدفون می‌باشند. هر از چند گاه، گوشه‌ای از این تمدن‌ها مورد کنکاش متخصصان و باستان‌شناسان قرار می‌گیرد و زوایای تاریک تاریخ درخشان این سرزمین هویدا می‌گردد. یکی از درخشان‌ترین این تمدن‌ها در دشت سرسبز سولدوز تمدن حسلو می‌باشد که در ۹ کیلومتری شمال شرقی شهرستان نقده و ۸۵ کیلومتری جنوب شهرستان ارومیه در استان آذربایجان غربی واقع شده است. آثار و بقایای این تمدن در سال‌های قبل و بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به کرات مورد کاوش‌های علمی باستان‌شناختی قرار گرفته است. از جمله‌ی این پژوهش‌ها حفاری‌های مشترک هیئت ایرانی و آمریکایی به سرپرستی رابرت هنری دایسون در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی است که طی ده فصل در این تپه و تپه‌های اطراف نتایج ارزشمندی را از باستان‌شناسی این سرزمین نمایان ساخته است. سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی، در راستای سیاست‌های راهبردی و کلان خود، اقدام به ترجمه و انتشار نتایج این پژوهش‌های علمی می‌نماید. مجلد حاضر هفتمین اثر از این تمدن است که توسط دو تن از پژوهشگران پرتلاش و خستگی‌ناپذیر این سرزمین و با حمایت‌های این سازمان به زیور طبع آراسته می‌گردد. از خداوند منان برای این عزیزان توفیق روزافزون و تداوم این حرکت علمی و پژوهشی را آرزو مندیم.

محمد اشتری

رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی

و گردشگری استان آذربایجان غربی

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۳	مقدمه‌ی مترجمان
۱۷	پیش‌گفتار
۲۳	اختصارات
۲۵	کاتالوگ
۲۶	۱. صحنه‌های رزم
۲۶	الف: اراپه
۳۸	ب: سواره‌نظام
۴۴	پ: سربازان
۵۶	۲. سر و بدن انسان: صحنه‌های ضیافت و گروه‌های آیینی
۷۶	۳. مجسمه‌های انسانی تمام‌گرد
۹۰	۴. صحنه‌های جانوران، پرندگان، شکار
۱۰۸	۵. مجسمه‌های جانوران
۱۱۴	۶. درختان، گیاهان، موتیف‌های متفرقه
۱۲۶	۷. عاج‌های ایرانی
۱۳۶	۸. عاج‌های شمال‌سوری
۱۳۶	الف: ظروف آیینی در چنگال شیر
۱۳۸	ب: پیکسیس‌ها
۱۴۸	پ: سرها، پیکرک‌ها، حیوانات
۱۵۸	ت: جعبه‌ها، دسته‌ها، تکه‌های متفرقه
۱۶۶	۹. عاج‌های آشوری

تفسیر

۱۷۷

۱. صحنه‌های رزم: ارايه‌ها، سواره‌نظام، سربازان
۲. سر و بدن انسان: صحنه‌های ضیافت و گروه‌های آیینی
۳. مجسمه‌های انسانی تمام گرد
۴. صحنه‌های جانوران، پرندگان، شکار
۵. مجسمه‌های جانوران
۶. درختان، گیاهان، موتیف‌های متفرقه
۷. عاج‌های ایرانی
۸. عاج‌های شمال سوری
- الف: ظروف آیینی در چنگال شیر
- ب: پیکسیس‌ها
- پ: سرها، پیکرک‌ها، حیوانات
- ت: جعبه‌ها، دسته‌ها، اشیای متفرقه
۹. عاج‌های آشوری
- مواد، کارگاه‌ها، مصارف
- تجارت و روابط خارجی
- حسنلو و عاج‌های محوطه‌های دیگر
- حاصل سخن
- فهرست منابع
- فهرست اسامی مؤلفان مورد اشاره در متن
- نمایه

۳۰۹

مقدمه

کتاب حاضر دومین مجلد حاصل از مطالعات ویژه‌ی اشیای مکشوفه در حفاری‌های سال‌های ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۴ میلادی از محوطه‌ی حسنلو است. هر یک از این مجلدات به شیء یا مقوله‌ی خاصی از اشیای مکشوفه‌ای که شایسته‌ی توجه و ویژه‌اند اختصاص خواهد یافت. در کتاب حاضر مجموعه‌ی کوچک و البته بی‌نظیر از قطعات شکسته‌ی عاج‌هایی که از ساختمان‌های سوخته‌ی دوره‌ی چهارم ب این محوطه کشف شده‌اند معرفی می‌شوند. این آثار به قبل از سال ۸۰۰ ق.م. تاریخ‌گذاری شده‌اند و لذا مجموعه‌ای از اشیای تطبیقی از منطقه‌ی شمال غرب ایران در اوایل هزاره‌ی اول ق.م.، دوره‌ای که دانسته‌های بسیار اندکی از آن در دست است، به شمار می‌روند. این مجموعه، از آن رو که در حفاری‌های علمی کشف شده است، از اهمیت ویژه‌ای در مطالعه‌ی عاج‌هایی که گفته می‌شود از زیویه، در مجاورت حسنلو، یافت شده‌اند برخوردار می‌باشد. مجموعه‌ی حاضر هم‌چنین در زمینه‌ی مطالعه‌ی مجموعه‌ی بزرگ اشیایی که سر ماکس مالووان از محوطه‌ی نمرو، پایتخت آشور، کشف کرده است اهمیت دارد. صحنه‌های رزم و گروه‌های آیینی که در مقیاس کوچک بر روی عاج‌های مکشوفه از حسنلو به تصویر در آمده‌اند به نظر می‌رسد از بسیاری جهات از نقش برجسته‌های کاخ‌های پادشاهان آشور در قرن نهم ق.م. الهام گرفته‌اند، هر چند جزئیات سبک نمایشی در آنها کاملاً متفاوت است. از این رو، مجموعه‌ی حاضر توجه ما را به پرسش‌هایی معطوف می‌سازد که همان نحوه‌ی انتقال مفاهیم از یک حوزه‌ی فرهنگی به حوزه‌ی فرهنگی دیگر، از آثاری در مقیاس بزرگ به آثاری در مقیاس کوچک‌تر و از یک حوزه‌ی هنری به حوزه‌ی هنری دیگر است.

ترتیب ارایه‌ی مطالب در کتاب حاضر به این صورت است که ابتدا کاتالوگی از اشیا ارایه می‌شود و به دنبال آن تفسیر مبسوط نگارنده از فحوا و بافت موسع آنها می‌آید.

میزان بالای آسیب دیدگی این اشیا و فرسایش متعاقب آنها در مدتی که زیر تپه‌ی حسنلو مدفون بودند کار توصیف و معرفی عاج‌ها را در مجلد حاضر دشوارتر ساخته است. پروژه‌ی حسنلو از تمامی کسانی که در طول این سال‌ها به کشف و ثبت این اشیا پرداخته‌اند و به ویژه از اسکار وایت ماسکارلا، نگارنده‌ی مجلد حاضر، سپاسگزاری می‌نماید. هم‌چنین، از ماند دو شانتسی نیز که در آماده‌سازی مطالب برای مطالعه و چاپ کتاب حاضر مساعدت داشت قدردانی می‌شود.

اکثر عاج‌های مکشوفه از حسنلو، به استثنای نمونه‌هایی که به موجب قانون تصرف عتیقات از سوی دولت ایران به موزه‌ی متروپولیتن در نیویورک و موزه‌ی دانشگاه پنسیلوانیا اهدا شده‌اند، در موزه‌ی ملی ایران نگهداری می‌شوند.

رابرت هنری دایسون

سرپرست پروژه‌ی حسنلو

مقدمه‌ی مترجمان

علم باستان‌شناسی را می‌توان جراح تمدن‌ها و باستان‌شناسان را ناطقان آنها نامید. پژوهش‌گران این علم، با انجام بررسی، پژوهش و کاوش در نقاط مختلف جهان و ادوار تمدنی، پیرامون گذشته‌های جوامع بشری به مطالعه و تحقیق می‌پردازند و با کشف آثار و بقایای جوامع انسانی به تبیین و تفسیر آنها مبادرت می‌کنند. در حقیقت، با انجام کاوش و کشف داده‌های فرهنگی تاریخی، برای هر تمدن و فرهنگ هویت و شناسنامه‌ای صادر می‌گردد. متأسفانه، در قرون اخیر نابخردانی غیر متعهد با انجام کندوکاوهای گاه غیر مجاز و گاه غیر علمی این هویت ملی و تاریخی را مورد سوء استفاده قرار داده و هویت این مرز و بوم را به یغما برده‌اند. از دید باستان‌شناسان، هر شیء و اثر فرهنگی تاریخی که غیر از راه پژوهش و کاوش عالمانه‌ی باستان‌شناختی به دست آید فاقد هر گونه هویت شناسنامه‌ای علمی و تاریخی است و جز نابودی تمدن و فرهنگ یک مملکت هیچ ثمر دیگری ندارد و ضربه‌ی مهلکی بر پیکره‌ی جامعه وارد می‌آورد. تنها آثار و اشیایی دارای هویت تاریخی و علمی هستند که از طریق پژوهش‌های علمی باستان‌شناسی و توسط باستان‌شناسان از دل خاک بیرون کشیده شوند.

از جمله‌ی تمدن‌های بسیار درخشان و ارزشمند خطه‌ی عزیزمان آذربایجان می‌توان به تمدن تپه‌ی حسنلو اشاره کرد که به حق دایره‌المعارف عظیم حیات تمدن به ویژه عصر آهن را داراست و در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی از سوی باستان‌شناسان و به صورت علمی حفاری شده است.

این تپه‌ی کهن، یکی از بزرگ‌ترین تپه‌های دشت سرسبز سولدوز، در ۹ کیلومتری شمال شرقی شهرستان نقده و در ۸۵ کیلومتری جنوب شهرستان ارومیه، مرکز استان آذربایجان غربی، در منتهی‌الیه جنوب غربی دریاچه‌ی ارومیه در غرب دهستان حسنلو واقع شده است.

اولین حفاری این تپه‌ی تاریخی در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی و با پروانه‌ی تجاری انجام گرفت و سپس کاوش‌های علمی چندی از سوی باستان‌شناسان مختلف در آن جا صورت پذیرفت. اما، عمده‌ی پژوهش‌ها و تحقیقات علمی این تپه و تپه‌های اقماری آن مرهون حفاری‌های هیئت آمریکایی به سرپرستی رابرت هنری دایسون است که در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۵ تا پیروزی انقلاب اسلامی به مدت ده فصل در این تپه به کاوش پرداخته‌اند. اعضای این هیئت علاوه بر حسنلو در تپه‌های حاجی فیروز، دالما، پسیدیهلی، عقرب تپه، دینخواه، سه گردان، چشمه گؤل و قلاتگاه نیز به کاوش پرداخته‌اند. ماحصل حفاری هیئت دایسون کاوش و برداشتن لایه‌های فوقانی تپه‌ی حسنلو، یعنی لایه‌های دوره‌ی اسلامی تا دوره‌ی عصر آهن بود. هیئت مذکور، با هدف آگاهی از ماهیت بقیه‌ی لایه‌ها و طبقات فرهنگی حسنلو، ترانسه‌ای را در مرکز تپه جهت لایه‌نگاری حفاری کرد که در نتیجه‌ی آن وجود ده دوره‌ی فرهنگی مشخص گردید.

اما، بیشترین اهمیت این تمدن مرهون لایه‌ی چهارم آن است که تاریخ مدونی از باستان‌شناسی عصر آهن دره‌ی سولدوز را در خود جای داده است. در این دوره، سراسر ارگ حسنلو طی جنگی فراگیر و ناگهانی طعمه‌ی حریق می‌گردد و در قالب تلی از خاکستر در اندک زمانی در زیر لایه‌های باستانی مدفون می‌شود. هر چند در آن زمان نیز غارت‌گران و مهاجمان این شهر تاریخی را نابود کرده‌اند، آثار باقی‌مانده کماکان روایت‌گر تمدن درخشان آن روزگار هستند که بخشی از آن در کاوش‌های صورت گرفته هویدا شده است.

از جمله‌ی این آثار فرهنگی تاریخی مجموعه‌ای از عاج‌های تکه‌تکه‌شده اما منحصربه‌فردی می‌باشد که از لایه‌ی چهارم ب به دست آمده است. این اشیا در سال ۱۹۸۰ میلادی توسط اسکار وایت ماسکارلا، یکی از اعضای فعال هیئت دایسون، به صورت مجلد مجزا و اختصاصی، تحت عنوان *کاتالوگ عاج‌های حسنلو*، به زیور طبع آراسته شده است. اهمیت این کتاب از جهات بسیاری قابل طرح است. از جمله‌ی آنها می‌توان به کشف این مجموعه در جریان حفاری‌های علمی و از یک لایه‌ی تاریخی دست‌نخورده اشاره کرد. بنا به اظهار نویسنده، تاکنون بزرگ‌ترین مجموعه‌ی عاج‌ها از نمرود یافت شده و عاج‌های حسنلو پس از این مجموعه مهم‌ترین مجموعه‌ی شناخته‌شده از خاور نزدیک باستان به شمار می‌روند و همچون خورشیدی بر تارک تمدن و هنر این منطقه پرتوافشانی می‌کنند.

نویسنده عاج‌های حسنلو را در چهار گروه سبک محلی، سبک ایرانی، سبک شمال سوری و سبک آشوری طبقه‌بندی کرده است. کتاب حاضر در دو بخش *کاتالوگ* و تفسیر تنظیم شده است. آنچه در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است یکی اهمیت تپه‌ی حسنلو از منظر موقعیت آن در ملتقی جاده‌های باستانی و دیگری چگونگی ساخت چنین آثار و اشیایی است که مردمان ساکن در این تپه بدان همت گمارده‌اند.

کتاب حاضر هفتمین مجلد از سری انتشارات تمدن حسنلو و تپه‌های اقماری آن است که در اختیار هم‌وطنان عزیز قرار می‌گیرد و در این راه عنایات و توجهات افراد بسیاری قابل ذکر است که به رسم ادای دین ذکر شماری از آنها را الزامی می‌دانیم.

در همین راستا، مقدماً باید قدردانی ویژه‌ای از عنایات و مساعدت‌ها و همراهی و زحمات خانواده‌های عزیزمان داشته باشیم که همواره ما را صمیمانه یاری کرده‌اند.

از همکاران بزرگوار و صمیمی در سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی به ویژه جناب آقای اشتری، ریاست محترم، جناب آقای علیزاده، قائم مقام محترم، جناب آقای پهلوانی، عاملیت محترم ذیحسابی، جناب آقای امامی، معاونت محترم توسعه و مدیریت، جناب آقای جانعمو، مدیر کل محترم امور مالی، جناب آقای مصطفایی، مسئول محترم امور قراردادهای آن سازمان و نیز جناب آقای رزاقی، مدیر محترم پایگاه حسنلو، جناب آقای کارگر، باستان‌شناس پرتلاش و فرهیخته‌ی استان، جناب آقای خرازی، از دیگر باستان‌شناسان استان، جناب آقای قربانی، مسئول محترم موزه‌ی ارومیه، سرکار خانم رضایی، مسئول محترم گنجینه‌ی موزه‌ی استان، و تمامی عزیزان و بزرگواران در حوزه‌ی ریاست، معاونت‌های مختلف، ذیحسابی، امور مالی، مرکز اسناد، امور اداری و دبیرخانه‌ی این سازمان که بیان اسامی تک‌تک آنان در این مجال مختصر مقدور نیست کمال امتنان و قدردانی را داریم.

از همکاران و بزرگواران در پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به ویژه ریاست محترم و همکاران عزیز در پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی، خاصه رئیس، معاونین و مدیران و همکاران گرامی به ویژه جناب آقای دکتر مرتضایی، جناب آقای دکتر چگینی، جناب آقای آبیاری و دیگر همکاران محترم در قسمت‌های امور اداری، کتابخانه، مرکز اسناد و دبیرخانه خالصانه تقدیر می‌نمایم.

شایسته است از عنایات همکاران بزرگوار در کتابخانه‌ی موزه‌ی ملی ایران به ویژه سرکار خانم شیرخدايي، و همکاران عزیز در کتابخانه‌ی مرکز اسناد و مدارک فرهنگی سازمان قدردانی ویژه‌ای داشته باشیم.

از حمایت‌ها و عنایات کلیه‌ی همشهریان عزیزمان به ویژه جناب آقای مرتاض، فرماندار محترم شهرستان، جناب آقای زنجانی حسلویی، نماینده‌ی محترم شهرستان نقده در مجلس شورای اسلامی، اعضای محترم شورای شهر، شهردار محترم و رؤسای محترم سابق و کنونی اداره‌ی ارشاد اسلامی شهرستان نقده و دیگر بزرگواران نیز باید سپاس‌گزاری به عمل آید.

مطمناً عنایت‌های بی‌ریای مدیر محترم انتشارات گنجینه‌ی هنر، جناب آقای مخلصي، انتشارات نقش‌آور، و انتشارات نوربخش، به ویژه جناب آقای مهندس چگینی، هم‌چنین دوستان و سروران گرامی در لیتوگرافی توسکاگستر، چاپخانه و صحافی و هم‌چنین عزیزان بزرگوارى که همکاری نزدیکی در تایپ و آماده‌سازی تصاویر کتاب حاضر داشته‌اند شایسته‌ی تقدیر است.

در پایان ذکر این نکته لازم است که عزیزان بسیاری نیز که در سطور بالا از آنها نام برده نشده است همکاری نزدیکی با ما داشته‌اند که بدین وسیله نهایت سپاس‌گزاری و قدردانی خود را از آنان اعلام می‌داریم.

علی صدرائی - صمد علیون

پیش‌گفتار

عاج‌ها و سایر اشیای مکشوفه از حسنلو از آن رو برای ما به یادگار مانده‌اند که حریق‌ی که ارگِ حسنلو طعمه‌ی آن شده ظاهراً به سرعت همه جا را فرا گرفته است و لذا، پیش از آن که غارت‌چندانی — به فرض وجود — صورت بگیرد، ساختمان‌های ارگ فرو ریخته‌اند. در نتیجه‌ی تخریب و فروریزی ساختمان‌ها، اکثرِ عاج‌ها شکسته و تکه‌تکه شده‌اند و این وضعیت با شرایطِ عاج‌های مکشوفه از محوطه‌های دیگر تناقض دارد. ریزش سریع ساختمان‌ها موجباتِ مرگِ بسیاری از ساکنانِ محوطه را نیز فراهم آورده است و اسکلت‌های لورده‌ی ده‌ها تن از آنان در محلِ افتادن یافت شده‌اند. نفوذِ مهاجمان به داخلِ ارگ، اندکی قبل از فروریزی ساختمان‌ها، از رویِ اسکلت‌های مثله‌شده به روشنی قابلِ درک است. دست‌وپایِ برخی از اجساد قطع شده است و در برخی دیگر صدماتِ مشهودی در نواحی مختلفِ بدن دیده می‌شود. مهاجمان ظاهراً غنایم بسیار اندکی با خود برده‌اند، اما شهر را به ویرانه و قبرستانی برای بسیاری از ساکنان و اموالِ قیمتیِ آنان بدل کرده‌اند. از این رو، گفته می‌شود مدارکی که باستان‌شناسان از حسنلو به دست آورده‌اند تبلورِ دردناکِ حوادثی هستند که عادتاً هنگامِ حمله به شهرها در ازمنه‌ی باستان روی می‌دادند و اغلب در متونِ آشوری توصیفِ آنها به تفصیل آمده است.

در این که ارگِ حسنلو اندکی پیش از سال ۸۰۰ ق.م. و به دستِ اورارتوها ویران شده است توافقِ کلی وجود دارد و در مطالعاتِ متعددی به این موضوع پرداخته شده است. با این حال، هر چند تا حدودی از زمان و عاملانِ تخریبِ ارگِ حسنلو آگاهی داریم، قومیت و زبانِ مردمان و نامِ باستانیِ این شهر هنوز بر ما پوشیده است. لذا، در حالِ حاضر این مجموعه را تنها می‌توانیم «عاج‌های حسنلو» بنامیم و در این انتساب، بر خلافِ میلِ باطنیِ خود، از نامِ امروزیِ این محوطه استفاده کنیم نه نامِ باستانیِ آن.

نظر به این که این عاج‌ها در میانِ آوارهایِ ساختمان‌های سوخته یافت شده‌اند، روشن است تمامیِ آنها و نیز اکثرِ اشیایِ مکشوفه‌ی دیگر در اصل در طبقاتِ دومِ ساختمان‌ها قرار داشتند. با فروریزیِ ساختمان‌ها در نتیجه‌ی حریقِ ویران‌گر، عاج‌ها در جهاتِ مختلف پراکنده شده‌اند. بنابراین، هم محلِ اصلیِ آنها در داخلِ اتاق‌ها و هم ماهیتِ اشیایی که پائل‌ها و تمثال‌ها در داخل یا رویِ آنها قرار داشتند بر ما پوشیده است. با این حال، می‌دانیم هر یک از عاج‌ها به کدامِ ساختمان تعلق دارند و این اطلاعات را نباید بی‌اهمیت دانست (نک: تطبیق‌نامه). این موضوع نیز با اهمیت است که نمونه‌هایِ حسنلو، حداقل در میانِ عاج‌هایِ مکشوفه از هزاره‌ی اول ق.م.، بی‌شک در زندگیِ روزمره‌ی ساکنانِ محوطه کاربرد داشتند و تا لحظه‌ی تخریبِ محوطه سر جایِ اصلیِ خود باقی بودند.

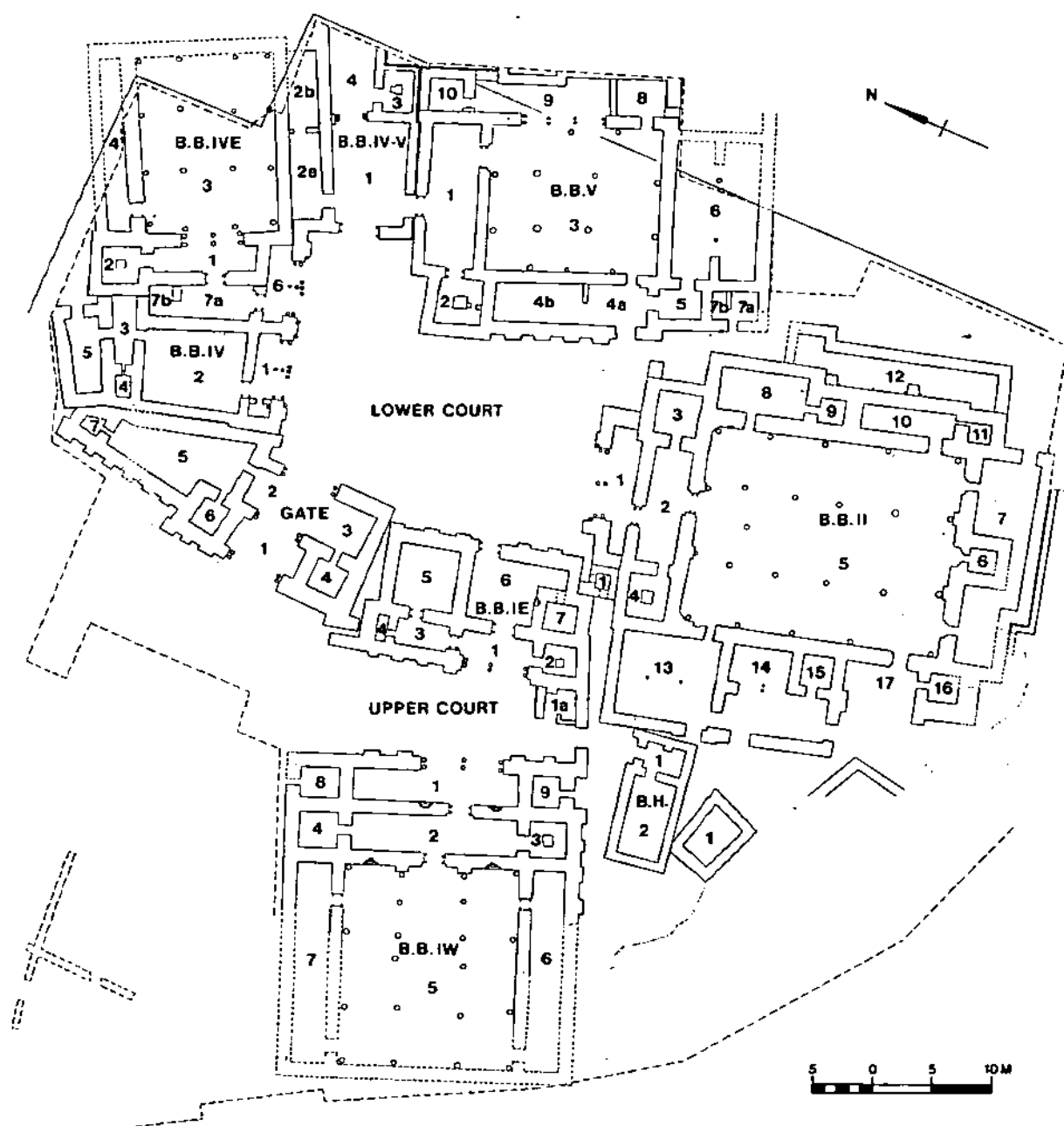
عاج‌های حسنلو را می‌توان به چهار گروه متمایز تقسیم کرد: نمونه‌های منتسب به سبک محلی؛ نمونه‌های ظاهراً منتسب به سبک ایرانی با خاستگاه نامشخص؛ نمونه‌های منتسب به سبک شمال سوری؛ و نمونه‌های منتسب به سبک آشوری. هر یک از این گروه‌ها را در خلال مباحث کتاب جداگانه به بحث می‌گذاریم، اما در این جا شایسته است به نمونه‌های منتسب به سبک محلی اشاره‌ای ویژه‌ای داشته باشیم. بنده در جاهای دیگری اشاره کرده‌ام که «بسیاری از این عاج‌ها ظاهراً ساخته‌ی دست هنرمندان محلی هستند، زیرا جزئیات سبکی آنها شبیه اشیای دیگری است که تولید محلی قلمداد می‌شوند و نیز هیچ نمونه‌ی مشابه مستقیمی از مراکز خارجی برای آنها ثبت نشده است» (۱۹۶۶، ص ۱۲۷). تصاویر موجود روی عاج‌هایی که بنده تولید محلی می‌خوانم ویژگی‌های مشترکی در نحوه‌ی نمایش چهره و جزئیات، ابعاد و قُرم شمایل‌ها دارند. سرجمع این ویژگی‌ها یا اختصاصات تشکیل گروه متمایزی را می‌دهند که اعضای آن از عاج‌ها و آثار هنری مکشوفه از مناطق و محوطه‌های دیگر تمایزپذیر هستند. به علاوه، آثاری از سایر حوزه‌های هنری از حسنلو یافت شده است که تصاویر موجود روی آنها سبک و عناصری شبیه عاج‌ها دارند. این سبک تا به امروز منحصر به حسنلو بوده است. انواع مختلف آثار هنری که این سبک در آنها متجلی شده است، موضوعی که نشان می‌دهد هنرمندان حوزه‌های مختلف در حسنلو از ایده‌ها و تجارب هنری مشترکی بهره می‌بردند، به یقین از صحت اعتقاد به وجود سبک محلی در حسنلو حکایت می‌کند. نکته‌ی جالب در خصوص توزیع عاج‌ها این است که عاج‌های سبک محلی تنها از دو ساختمان، ساختمان سوخته‌ی اول غربی و ساختمان سوخته‌ی دوم، یافت شده‌اند. هر سه عاج مکشوفه از ساختمان سوخته‌ی چهارم شرقی به سبک آشوری و تمامی عاج‌های به‌دست آمده از ساختمان سوخته‌ی پنجم ظاهراً منتسب به شمال سوریه هستند. تمامی عاج‌ها از بافت گاه‌نگاشتی واحدی، یعنی از میان آوارهای لایه‌ی تخریبی دوره‌ی چهارم ب، به دست آمده‌اند. ابتدا، در سال ۱۹۵۸ میلادی چند تکه عاج از ساختمان سوخته‌ی اول غربی کشف شد (= شماره‌های ۶۲، ۶۳، ۱۵۹، ۲۰۱، ۲۰۲). در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۲ میلادی نیز نمونه‌های دیگری در مقادیر اندک از ساختمان سوخته‌ی دوم به دست آمدند، اما در سال ۱۹۶۴ میلادی نمونه‌های زیادی از ساختمان سوخته‌ی دوم یافت شدند. با از سرگیری حفاری‌ها در سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ میلادی عاج‌هایی از ساختمان سوخته‌ی چهارم غربی (= شماره‌های ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳) و ساختمان سوخته‌ی پنجم به دست آمد (= شماره‌های ۲۴۱، ۲۴۵، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۷۱، ۲۷۸). موقعیت ساختمان‌های سوخته‌ی اول و دوم، چهارم و پنجم در پلان‌های ۱ و ۲ ارایه شده است. اکثر عاج‌ها از ساختمان سوخته‌ی دوم، بزرگ‌ترین تالار ستون‌دار حسنلو، یافت شده‌اند (پلان ۲). نمونه‌های اندکی نیز از ساختمان‌های سوخته‌ی اول غربی و چهارم شرقی کشف شده‌اند و بقیه، یعنی دومین گروه از حیث تعداد، از ساختمان سوخته‌ی پنجم واقع در مجاورت و دقیقاً شمال شرقی ساختمان سوخته‌ی دوم به دست آمده‌اند (پلان ۱). از ساختمان سوخته‌ی سوم که در بخش شمالی مجموعه‌ی اصلی ساختمان‌ها قرار دارد هیچ عاجی یافت نشده است.

در ثبت اطلاعات برخی از عاج‌های به‌دست آمده در سال ۱۹۶۴ میلادی تنها به نوشتن ساختمان سوخته‌ی دوم پسنده شده و هیچ اشاره‌ای به اتاق خاص نشده است. برخی دیگر از عاج‌ها نیز فاقد شماره‌ی میدانی هستند و ابعاد آنها نیز ثبت نشده است. دلیل این وضعیت آن است که تا همان روز آخر حفاری‌ها نمونه‌های بسیار زیادی کماکان یافت می‌شد و پیش از انتقال اشیای یافت‌شده به تهران تنها فرصت فهرست کردن آنها وجود داشت. با این حال، به استناد یادداشت‌های میدانی و مشاهدات شخصی، می‌توان به صراحت اعلام کرد: این عاج‌ها از بخش‌های جنوبی و شرقی ساختمان سوخته‌ی دوم، یعنی همان محل

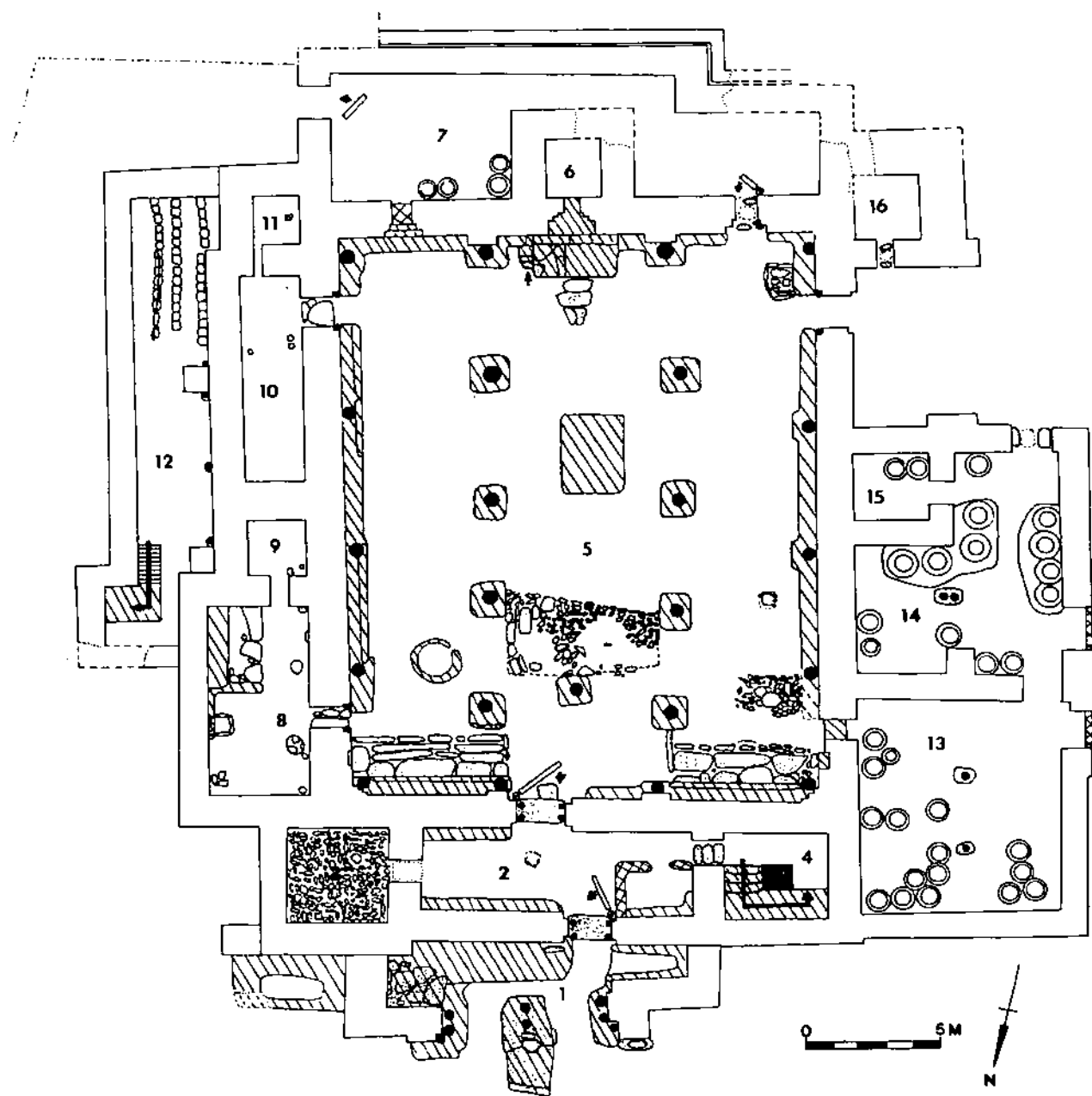
کشفِ عاج‌هایِ دیگر، یافت شده بوده‌اند. لازم به ذکر است هیچ عاجی از بخش‌ها یا اتاق‌هایِ غربی و شمالیِ ساختمانِ سوخته‌ی دوم به دست نیامده است و تمامیِ عاج‌هایِ مکشوفه از ساختمانِ سوخته‌ی پنجم از میانِ نهشته‌هایِ اتاق‌هایِ ۳ و ۸ در بخشِ جنوبِ شرقیِ این ساختمان یافت شده‌اند.

در بخشِ کاتالوگ، در خصوصِ هر یک از نمونه‌ها ابتدا شماره‌ی مربعِ محلِ کشف و نقطه‌ی کشفِ آن در داخلِ هر یک از ساختمان‌ها، یعنی شماره‌ی اتاق یا بخشِ محلِ کشفِ آن، ارایه می‌شود؛ مثلاً: (7) [2] CC31 به معنایِ بخشِ ۲ در مربعِ CC31 می‌باشد که همان اتاقِ ۷ ساختمانِ سوخته‌ی دوم است. عباراتِ (5, E) یا (5, N) یا (5, C) که در نام‌گذاریِ اتاق‌ها استفاده شده‌اند به ترتیب به معنایِ بخشِ شرقی، شمالی یا مرکزیِ اتاقِ ۵ (= تالارِ ستون‌دار) ساختمانِ سوخته‌ی دوم هستند. تمامیِ عاج‌هایی که تنها شماره‌ی مربع و بخشِ محلِ کشفِ آنها ارایه شده است از ساختمانِ سوخته‌ی دوم یافت شده‌اند؛ مگر آن که طورِ دیگری قید شود. پس از اطلاعاتِ مربوط به نقطه‌ی کشف، شماره‌ی کاتالوگِ میدانیِ حسلو می‌آید که دو رقمِ اولِ آن نماینده‌ی سالِ کشفِ اثر است. این شماره در مدارکِ بایگانی‌شده حاویِ پیشوندِ HAS است که در این جا آن را حذف کرده‌ایم. در ادامه، اختصاراتی ارایه می‌شود که نماینده‌ی محلِ نگه‌داریِ کنونیِ اشیا هستند (= UM معادلِ موزه‌ی دانشگاهِ پنسیلوانیا و MMA معادلِ موزه‌ی هنرِ متروپولیتن). سپس، شماره‌ی دست‌رسیِ اشیا می‌آید. تمامیِ ابعاد به سانتی‌متر هستند. به دنبالِ ابعاد، در صورتِ چاپِ شی، در منابعِ دیگر، مشخصاتِ آن منابع ارایه می‌شود. در این کاتالوگِ حدودِ بیست شی، کنده‌کاری‌شده از جنسِ استخوان، چوب یا صدف با ذکرِ جنسِ آنها ارایه شده است و بقیه از جنسِ عاج هستند. در کاتالوگ، توضیحِ مختصری در خصوصِ هر یک از اشیا ارایه شده و بحثِ کلیِ آنها به بخشِ تفسیرِ موکول شده است. در سراسرِ کاتالوگ، عبارت‌هایِ «سمتِ راست» یا «سمتِ چپ» که به تنهایی نوشته شده‌اند بر جهت‌هایی اشاره دارند که بینندهِ شمایل‌ها را مشرف یا در حالِ حرکت به آن سمت می‌بیند.

در بخشِ تفسیرِ نیز همین رویه دنبال می‌شود. ابتدا عاج‌هایِ سبکِ محلی به صورتِ جداگانه، به اعتبارِ نقش‌مایه و شیوه‌ی اجرایِ طرح (= نقشِ برجسته یا پیکره‌ی تمام‌گرد)، ارایه می‌شوند. در فصل‌هایِ بعدی به عاج‌هایی که گفته می‌شود وارداتی هستند پرداخته می‌شود. گاه‌ها، به منظورِ سهولت، مقولات با یکدیگر هم‌پوشی دارند. مثلاً، شماره‌هایِ ۹۲، ۹۳ و ۱۷۵ به همراهِ نقش‌برجسته‌ها ارایه شده‌اند، در حالی که صراحتاً پیکرکِ تمام‌گرد نیز هستند. نهایتاً، در قالبِ چند فصل به موضوعاتِ کلیِ کارگاه‌هایِ تولیدِ اشیایِ عاجی، کارکردهایِ پیشنهادیِ عاج‌ها، مناسباتِ تجاریِ خارجی و گاه‌نگاریِ آنها می‌پردازیم.



پلان ۱. ارگ حسلو در زمان تخریب (دوره‌ی چهارم ب)



پلان ۲. ساختمان سوخته‌ی دوم در زمان تخریب (دوره‌ی چهارم ب)

تطبیق‌نامه
ساختمان و اتاق محل کشف عاج‌ها

BB 1 WEST	13	262 N	51	124	216 I	212
62	17	264 N	52	126	217 I	213 bis
63	24	265 N	54	128	220 I	222 N
159	45	266 N	55	132	221 I	239 N
201	48	270 N	56	142	280 A	240 N
202	53	272 N	57	149	284 A	247 N
	59		60	151	293 A	248 N
	61		66	153		258 N
	64		67	157		269 N
BB II	65	Area East of Room 7	68	158		
Room 6	80	21	69	162	Room 5 Great Hall	BB IV EAST
6	92	22	71	168	34	Room 3
7	95	58	74	171*	36	281 A
39	97	93	76	172	38	282 A
42	105	141	77	173	41	283 A
43	123	178	78	174	70	
44	125	213	79	176	73	
50	136	233 N	81	180	96	BB V
72	138	263 N	82	181	98	Room 3
75	145		83	184	131	137
113	146	Room 8	84	185	133	223 N
119	147	1	85	186	169	237 N
127	148	3	86	193	204	241 N
130	152	4	87	198	205	250 N
143	154	8	88	199	210 b	252 N**
144	155	9	89	203	275 N	259 N
150	160	11	90	206	276 N	271 N**
156	161	12	91	207	277 N	278 N
163	170	14	94	208	279 N	
164	175	15	99	209	287 A	
165	177	18	100	210 a	288 A	Room 8
166	187	19	101	211	289 A	224 N
167	188	20	102	218 I		225 N
182	191	23	103	219 I	General	228 N
183	221 bis I	25	104	246 N	16	238 N
189	226 N	26	107	251 N	37	245 N
194	227 N	27	108	254 N	106	252 N**
195	229 N	28	109	260 N	129	261 N
196	231 N	29	110	267 N	134	271 N**
230 N	232 N	30	111	274 N	135	
255 N	234 N	31	112	285 A	139	
273 N	235 N	32	114	286 A	140	Purchased
	236 N	33	115	290 A	179	268 N
	242 N	35	116	292 A	190	
	243 N	40	117		192	TOWER 5
Room 7	244 N	46	118		197	291 A
2	249 N	47	120	Room 10	200	
5	253 N	49	121	214 I		
10	257 N		122	215 I		

* مکشوفه از گریدور واقع در شرق اتاق ۸

** مکشوفه از بخش‌های مجاور اتاق‌های ۳ و ۸

I = عاج ایرانی

A = عاج آشوری

N = عاج شمال سوری

اختصارات

<i>AJA</i>	<i>American Journal of Archaeology</i>
<i>AfO</i>	<i>Archiv für Orientforschung</i>
<i>Anat. Stud.</i>	<i>Anatolian Studies</i>
<i>ANEP</i>	<i>Ancient Near Eastern in Pictures, edited by James B. Pritchard</i>
<i>Bagd. Mitt</i>	<i>Baghdader Mitteilungen</i>
<i>BASOR</i>	<i>Bulletin of the American Schools of Oriental Research</i>
<i>BCH</i>	<i>Bulletin de Correspondance Hellénique</i>
<i>BJV</i>	<i>Berliner Jahrbuch für Ver-und Frühgeschichte</i>
<i>ILN</i>	<i>Illustrated London News</i>
<i>JANES</i>	<i>Journal of the Near Eastern Society of Columbia University</i>
<i>JAOS</i>	<i>Journal of the American American Oriental Society</i>
<i>Jdl.</i>	<i>Jahrbuch des k.deutschen archäologischen Instituts</i>
<i>JESHO</i>	<i>Journal of the Economic and Social History of the Orient</i>
<i>JFA</i>	<i>Journal of Field Archaeology</i>
<i>JGS</i>	<i>Journal of Class Studies</i>
<i>JHS</i>	<i>Journal of Hellenic Studies</i>
<i>JNES</i>	<i>Journal of Near Eastern Studies</i>
<i>MMAB</i>	<i>Metropolitan Museum of Art Bulletin</i>
<i>MMAJour.</i>	<i>Metropolitan Museum Journal</i>
<i>PEQ</i>	<i>Palestine Exploration Quarterly</i>